

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آنا فا

برگردان از: آمادور نویدی

۰۲ می ۲۰۱۷

نه به جنگ‌های امپریالیستی عمو سام



نه به جنگ

صلح به اتحادیه های کارگری هم ربط دارد

جهان به طور فزاینده ای به سوی جنگ جهانی سوم، جنگ هسته ئی می‌رود، جنگی که در آن هیچ کس نمی تواند برنده شود. تجاوز امپریالیسم امریکا خارج از کنترل است، و مستقیم و غیرمستقیم دولت‌های ملی مستقل را در هر قاره از جهان تهدید می‌کند.

دولت ترمپ در پس گرفتن شعارهای قبل از انتخابات خود در رد «جنگ بی پایان»، و یا جنگ در بیشتر از یک کشور وقت را هدر ندهد. او در حال شکل‌گیری و تبدیل شدن به بی پرواترین و خطرناکترین بازهای جنگی است که ریاست جمهوری امریکا تا به حال به خود دیده است.

انتصاب ترمپ به مقام ارشد دولتی و اقدامات هشدار است در جهت منحنی تشنه قدرت، و جهنم محافظه کاران افراطی آشکار که سلطه اجبار اقتصاد جهانی، سیاسی و نظامی امریکا را اثبات می‌کند. به نظر می‌رسد که ترمپ آماده است دست به هرکاری بزند که ماشین جنگی و مجتمع نظامی صنعتی امریکا از او مطالبه می‌کنند.

مایک پنس معاون رئیس جمهور امریکا به تازگی مأموریت خود را در منطقه جنوب شرقی آسیا از جمله استرالیا به اتمام رساند، و کشورهای متحد امریکا را در کوریای جنوبی، جاپان، اندونزی و همچنین استرالیا توجیه نمود.

مایک پنس به جمهوری دموکراتیک خلق کوریا (کوریای شمالی) اخطار داد. پنس با برانگیختن و تحریکات ترسناک، بارها همان تهدیدهای قدیمی را در ارتباط با کوریای شمالی تکرار نمود و گفت: «دوران صبر و شکیبانی ستراتیژیک به سرآمده است».

پنس خطرات وقوع جنگ را افزایش داد و گفت: «همه گزینه‌ها آماده و روی میز است»، و «اگر چین قادر به مقابله و معامله با کوریای شمالی نیست، امریکا و متحدانش هستند». جمهوری دموکراتیک خلق کوریا به بالاترین حالت پاسخ دفاعی متوسل شده است که خودش را از امریکا حفظ کند که هر سال در مانورهای مشترک نظامی با کوریای جنوبی، حمله به کوریای شمالی را تمرین می‌کند.

نخست وزیر استرالیا مالکو ترنبل نوکری صفتانه و کورکورانه تهدید جنگی پنس را پژواک داد، و رژیم جمهوری دموکراتیک خلق کوریا را «بی پروا و خطرناک» توصیف نمود و ادعا کرد که «صلح و ثبات منطقه ما را به معرض خطر می‌اندازد».

گسترش تنش

در سال ۲۰۱۱، رئیس جمهور سابق امریکا، اوباما به استرالیا آمد و در پارلمان چیزی را اعلام نمود، که به «محور آسیا» معروف شد: که از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون بزرگترین افزایش نیروهای بحری و هوایی امریکا در منطقه آسیا و پاسیفیک و هدف چین بود.

در جولای، یکی از بزرگترین مانورهای بحری به رهبری امریکا که تا به حال انجام شده، تنظیم تمرینات دوسالانه شمشیر تالیسمن، تکرار تمرینی است به منظور محاصره خطوط بحری چین که از طریق آن خطوط حیات تجاری چین ادامه دارد. جنگ با چین، بر مبنای طرح نبرد بحری و هوایی است، که حمله «کور» پیش‌گیرانه را تجویز می‌کند، و این «مانور جنگی» با استرالیا و دیگر متحدان امریکا انجام می‌گیرد.

چین با حدود ۴۰۰ پایگاه امریکایی محاصره شده است. روسیه با یک روش مشابه، توسط پایگاه‌های ناتو و امریکایی محاصره شده است.

محور آسیا

تهدید واقعی صلح و ثبات منطقه و جهان از طرف امپریالیسم امریکا و متحدانش است، که استرالیا نیز در آن شرکت دارد.

چین، همچنان، هدف باقی‌مانده است. بمباران و حمله به کوریای شمالی با این حال به امریکا پایگاه و تأسیسات ستراتیژیک لازم را در مرزهای چین ارائه می‌دهد. کوریای شمالی همچنین، مرز کوتاهی با روسیه نزدیک شهر ولادیوستک دارد، که هدف بالای دیگری در لیست امریکاست.

ماه گذشته امریکا از استقرار سیستم موشک تاد در کوریای جنوبی خبر داد. این موجب افزایش نگرانی امنیت چین و همچنین کوریای شمالی شده است.

شینوا، خبرگزاری رسمی چین، اخطار داد که نصب سیستم تاد مسابقه تسلیحاتی هسته‌ئی را در منطقه همراه دارد: «سپر راکتی بیش‌تر یکی از طرفین، بناچار راکت‌های هسته‌های بیش‌تر طرف مخالف را به منطقه می آورد تا بتواند سپر راکتی طرف دیگر را از بین ببرد».

سفیر کوریای شمالی در ملل متحد، جا سونگ - نم در نامه ای به شورای امنیت ملل متحد گفت: « امریکا در تمرینات نظامی مشترک با کوریای جنوبی در اول مارچ از کشتی‌های جنگی هواپیمابر هسته‌ئی، زیردریائی‌های هسته‌ئی، بمب افکن‌های ستراتیژیک هسته‌ئی و جنگنده‌های رادارگریز استفاده کرده است».

نامه مذکور اشاره کرد که: «متعاقباً، وضعیت در شبه جزیره کوریا دوباره تا آستانه یک جنگ هسته‌ئی بسیار نزدیک شده است».

مانور مشترک سالانه و تجاوز به آب‌های کوریای شمالی، تمرینی جهت حمله به کوریای شمالی، و تهدیدی آشکارست.

امریکا همچنین در پیروسه افزایش نیروهای نظامی و سلاح‌های خود در استرالیاست.

جنگ‌های بی پایان

زمانی‌که با تخریب اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تنش‌زدائی سابق پایان یافت، امریکا جسارت پیدا کرد و جنگ‌طلبانه‌تر از قبل شد.

AMERICA'S WAR WITHOUT END

«تروریسم اسلامی»، جایگزین «خطر کمونیسم» شده است. در ۱۱ سپتمبر ۱۹۹۰، رئیس‌جمهور جورج بوش (پدر) در نطق عمومی خود «نظم نوین جهانی» را اعلام کرد. سپس در ۱۶ جنوری ۱۹۹۱، بمباران عراق آغاز شد، و عملیات طوفان صحرا براه انداخت.

در سال ۱۹۹۲، سندی با عنوان «راهنمای طرح دفاع»، آشکارا منتشر کرد، و آن یک آرزوی طولانی برای امپریالیسم امریکا بود، و این‌که امریکا به تنها ابرقدرت جهان تبدیل شده است که به نیازهای نظامی جهان رسیدگی می‌کند. این سند جنگ‌های پیش‌گیرانه را به اصطلاح جهت نابودی «سلاح‌های کشتار جمعی» ارائه می‌دهد.

در سال ۲۰۰۲، بررسی موضع هسته‌ئی دولت بوش (پسر)، شامل طرح‌هایی جهت استفاده از سلاح‌های هسته‌ئی علیه چین، عراق، روسیه، جمهوری دمکراتیک خلق کوریا، ایران، لیبیا و سوریه بود، و سلاح‌های هسته‌ئی دیگر به عنوان سلاح‌های «آخرین راه چاره» در جنگ‌های امریکا در نظر گرفته نشدند.

سیاست ضربه «پیش‌گیرانه» اعلام شد. ضربه پیشگیرانه اصطلاحی است برای تجاوز آشکار علیه کشورهای مستقل، در مغایرت با قوانین بین الملل. این قانون در استرالیا توسط دولت ائتلاف ناسیونال – لیبرال به رهبری نخست وزیر آن‌زمان، جان هاوارد حمایت می‌شد.

از آن‌زمان امریکا و عمال نیابتی (پروکسی) خود جنگ‌های بی‌پایان را به راه انداخته اند و تغییر رژیم (رژیم چنج) یا بی‌ثباتی دولت‌ها را در کشورهای میزبان عملی کرده اند. توجهات برای این اقدامات غیرقانونی و وحشتناک بر مبنای دروغ‌هایی مانند به اصطلاح ادعای نذایز سلاح‌های کشتار جمعی در عراق یا اهریمن جلوه دادن رهبران کشورهای مستقل است. این کشورها عبارتند از سومالی، یمن، سودان، یوگسلاوی، لیبیا، مصر، سوریه، عراق و اکراین.

امریکا توجه خود را به رقابتی اقتصادی روسیه و چین و سازمان همکاری شانگهای معطوف کرده که یک سازمان سیاسی، اقتصادی و نظامی اورآسیایی است، و شامل چین، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، تاجیکستان و ازبکستان می‌شود.

امریکا دارای پایگاه‌های جاسوسی و نظامی در بیش از ۱۵۰ کشور با ۱۶۰ هزار پرسنل و گماشته فعال است، و مستقیماً و یا از طریق نیابتی‌های خود در حال حاضر در جنگ‌ها در عراق، سوریه، یمن، سومالی، سودان، افغانستان، اکراین، و کشورهای است که به طور ستراتیژیک در مناطق سرشار از نفت خاورمیانه و شاخ افریقا (شمال افریقا) قرار دارند.

امریکا در پروسه تلاش جهت بی‌ثبات‌سازی دولت‌های ونزوئلا و بولیویاست، و هنوز هم کوبا را در چشم انداز خود دارد.

امریکا در نظر دارد که پایگاه‌های نظامی جدیدی در امریکای لاتین از جمله در کلمبیا در مرز بسیار نزدیک به ونزوئلا بسازد.

ترمپ حمایت کامل خود را از دولت صهیونیستی راست‌گرای اسرائیل در ادامه سرکوب مردم فلسطین نشان داده است. دستورکار ناگفته جهت نابودی کامل فلسطین و ایجاد «اسرائیل بزرگ» است.

زمانی که دونالد ترامپ در ادامه بمباران یک مدرسه و یک مسجد - حمله راکتی اخیر خود را در سوریه به راه انداخت — او در فلوریدا با رئیس جمهور چین شی جین پینگ شام می‌خورد. تنها کاری که همه رسانه‌ها انجام دادند تمرکز بر کبک شکلاتی بود که ترامپ می‌خورد.

نقش رسانه‌ها

نقش رسانه‌ها مشروعیت دادن به جنگ‌طلبان امریکائی است، تا امریکا را به عنوان یک سازنده صلح جهانی نشان دهند که «دمکراسی و حقوق بشر» را به کشورهای بی‌ارمغان می‌برد که بمباران و حمله کرده است. رسانه‌ها در استرالیا همان سازی را می‌نوازند، که با هر بمباران جدید، و حمله هواپیماهای بدون خلبان، به طور کامل از گرداندگان همان خط، با دروغ خارج می‌شود.

ادعای واشنگتن پُست، «جنگ ما را امن تر و ثروتمند تر می‌سازد»، یک دروغ کلاسیک است. در واقع، آن ادعا هیچ‌کدام از این کارها را انجام نمی‌دهد. جنگ‌ها بودجه‌ها را هدر می‌دهند، مردم را فقیرتر می‌سازند، باعث کشتار جمعی و بدبختی توده‌نی، و رشد جهانی تروریسم می‌شوند. و یک جنک هسته‌نی این سیاره را غیرقابل سکونی می‌سازد.

رسانه های کوریوراتی (شرکت های بزرگ)، با زیرسؤال نبردن دروغها و تکرار همان شعارهای «کشورهای ورشکسته و بی ثبات»، «جنگ علیه ترور» به پارتی آمده اند: تا جنگ را یک ضرورت قابل قبول جلوه دهند. مزدوران آموزش دیده و تأمین مالی شده توسط غرب مانند آنهایی که در سوریه هستند به عنوان «اپوزیسیون» معرفی می‌شوند که در «جنگ داخلی» مبارزه می‌کنند. هدف فوری در سوریه تغییر رژیم و به دنبال آن نصب یک دولت مطیع و کنترل منابع و کشوری است که از نظر ستراتیژیک در خاورمیانه قرار دارد.

جنگ های امپریالیستی، غیرمشروع، غیرمنصفانه و ناموجه هستند.

گرایش به راست (راست‌گرایی)

گرایش به جنگ و ایجاد جنگی که قابل قبول باشد، با گرایش مشخص به راست (راست‌گرایی) همراه شده است. در اروپا، جنبش‌های نئوفاشیست با حمایت و پشتیبانی مالی، دست‌آوردهای قابل توجهی کسب کرده اند. به ویژه در اوکراین، پولند، لیتوانی و رومانی، کشورهایی که در آنجا دولت‌ها بی‌نهایت راست‌گرا هستند. بدون حمایت قابل توجه از رسانه ها شرکت‌های بزرگ و کمک‌های مالی کوریورات‌ها، که معامله بزرگی برای «رسانه های جریان اصلی» انجام داده اند، کسب دست‌آوردهای قابل توجه برای لوپن در فرانسه و شفق طلایی جدید در یونان در میان دیگران، غیرممکن است.

در استرالیا، پولین هانسون از حزب یک ملت، که برآتش نژادپرستی و خارجی ستیزی، و احساسات ضداسلامی نفت می‌ریزد، در یک پروسه با هدف عادی سازی فاشیست‌ها، کمک قابل توجهی از رسانه ها دریافت نموده است. برخورد غیرانسانی با جویندگان پناهندگی، که بسیاری از آنان قربانیان جنگ‌های بی پایان غرب به رهبری عموسام هستند، آتش نژادپرستی را شعله ور می‌سازد و مردم را از علت اصلی ناامنی و درد و رنج خود یعنی سرمایه داری، منحرف می‌سازد.

مبارزه برای صلح و استقلال

استرالیا از زمان جنگ جهانی دوم به نمایندگی از امریکا در جنگ‌های متعددی درگیر بوده است. این مداخلات از جنگ آشکار و آموزش نیروهای خارجی گرفته، تا جاسوسی و بی‌ثباتی کشورهای مستقل و مخالف با سیاست عمو سام بوده است.

تأسیسات نظامی امریکا در پایین گپ در استرالیای مرکزی (آلیس اسپرینگ) جهت جاسوسی و شرکت در جنگ‌های امپریالیستی و به ترور مخالفان امریکا توسط هواپیماهای بدون خلبان از راه دور اختصاص یافته است.

مهمترین عمل‌کرد پایین گپ به عنوان یک ایستگاه کنترل زمینی برای تأسیسات امریکائی‌ست، که یک سوم کره زمین، از جمله مناطق ستراتیژیک جنوب روسیه، چین و میدین نفتی خاورمیانه را پوشش می‌دهد.

به دلیل نقشی که پایین گپ بازی می‌کند و استفاده امریکا از خاک استرالیا به عنوان سکوی پرتاب برای نیروهای امریکائی، خواهی‌نخواهی، استرالیا در هر جنگی که توسط امریکا علیه چین یا روسیه باشد، بلافاصله درگیرست. بستن پایین گپ و تمام تأسیسات نظامی خارجی دیگر و پایان دادن به پیمان آنزوس (پیمان بین استرالیا، زلاند نو و امریکا)، تنها راهی‌ست که استرالیا می‌تواند استقلال کامل داشته باشد. تأسیسات نظامی امریکا، به ویژه پایین گپ، نیز هدف اصلی هر جنگی‌ست که از طرف امریکا تحریک شده باشد.

از پایان گپ نیز در انجام کشتار خارج از صلاحیت قضائی و غیرمشروع، و با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین استفاده می‌شود.

صلح به اتحادیه‌ها هم ربط دارد

در ماه می امسال، جهان در آستانه دو فاجعه غیرقابل برگشت - جنگ هسته‌ای و نابودی زندگی بشریت در روی سیاره ما، و متعاقباً تغییرات آب و هوایی ناشی از انسان قرار داد. هر دو فاجعه توسط سرمایه داری و پی‌گیری حرص و آز چپاول‌گرانه و تمایل شدید جهت کسب حداکثر سود تحریک شده اند.

در استرالیا (و جهان)، ما می‌توانیم با پیوستن به جنبش‌های ضدامپریالیستی جهت پایان دادن به ائتلاف امریکا، بستن تمام پایگاه‌های خارجی و اتخاذ و حمایت از حاکمیت ملی و مستقل، نقش خود را ایفاء نماییم.

درباره نویسنده:

رفیق آنا فا، عضو کمیته مرکزی و سرمقاله نویس گاردین - ارگان حزب کمونیست استرالیا است.

برگرداننده شده از:

گاردین- ارگان حزب کمونیست استرالیا، شماره ۱۷۷۴، ۲۶ اپریل ۲۰۱۷.

The Guardian

The Worker's Weekly

Issue #1774 • April 26, 2017

NO to war

Peace is union business

Anna Pha